

شکنجه و اضرار به غیر

منبع: روزنامه مردم امروز، روز سه‌شنبه، مورخ: ۹۳/۱۰/۹

به تعبیر کثیری از فیلسوفان، «اخلاق»، دیسپلین «باید-محور» است و به جای اینکه درباره امور و اصنافِ نَسَب و روابط میان آنها، از آن حیث که هستند، سخن بگوید (کاری که علوم تجربی، اعم از علوم تجربی انسانی و علم تجربی غیر انسانی متکفل تبیین و توصیف آن اند)، ناظر به کنشها و مناسبات و روابط انسانی از آن حیث است که باید باشند و کنش‌هایی را که «باید» از انسانِ مختارِ عاقل در سیاق‌های گوناگون سرزند، به بحث می‌گذارد و سوییۀ هنجاری و ارزش‌محورانه دارد. به تعبیر دیگر، گزاره‌های اخلاقی، گزاره‌هایی اند که محمول آنها، یکی از مفاهیم «خوب»، «بد»، «باید»، «نباید»، «وظیفه» و «تکلیف» است. گزاره‌ای نظیر «دروغ گفتن بد است»، یک گزاره اخلاقی است، چرا که موضوع آن یکی از افعال انسانی است و محمول آن وصف بدی است و در این گزاره، سخن غیر مطابق با واقع گفتن، متصف به وصف بدی شده و درباره آن ارزش داوری شده است. افزون بر این، تفکیک میان «افعال طبیعی» و «عناوین اخلاقی» نیز در صورت‌بندی مباحث و مقولات اخلاقی رهگشاست. افعالی نظیر خوردن، خوابیدن، دراز کشیدن، دویدن، کتک زدن، لم دادن، لیز خوردن... در زمره افعال طبیعی اند. مادامیکه این افعال طبیعی که حدود و ثغور مشخصی دارند، دلیل عناوین اخلاقی ای نظیر «آسیب رساندن به دیگران»، «وفاداری»، «خیانت»، «عفت»... قرار نگیرند، مشمول داوری اخلاقی واقع نمی‌شوند. «شکنجه کردن» نیز در زمره عناوین اخلاقی است، بدین معنا که نام فعل طبیعی مشخصی نیست؛ می‌توان کسی را شلاق زد و این فعل را مصداقی از شکنجه کردن انگاشت؛ می‌توان او را در سرمای منهای بیست درجه با یک زیر پیراهنی در هوای آزاد نگاه داشت و این کنش را مصداقی از شکنجه دانست؛ می‌توان او را به زندان انفرادی افکند و اینچنین او را شکنجه کرد؛ می‌توان به او بی‌خوابی داد؛ می‌توان فرزند وی را گروگان گرفت و از این طریق او را شکنجه کرد، می‌توان به تعبیر دیگر، افعال طبیعی مختلفی دلیل عنوان اخلاقی «شکنجه» و «اضرار به غیر» قرار می‌گیرند. شهودهای اخلاقی عموم انسانها حکم می‌کند که شکنجه کردن امری غیر اخلاقی است و فرونهادنی. در قلمروی «اخلاق هنجاری»، چه از منظر «فایده‌گرایی اخلاقی»، چه از منظر «وظیفه‌گرایی» و چه از منظر «فضیلت‌گرایی اخلاقی»، شکنجه کردن امری غیر اخلاقی است. فایده‌گرایان، انجام این کار را هم‌عنان با بیشینه شدن درد و رنج و کمینه شدن فایده برای اکثریت افراد جامعه می‌دانند؛ وظیفه‌گرایان شکنجه کردن را متضمن خوارداشتن انسان و نادیده انگاشتن کرامت او می‌انگارند. فضیلت‌گرایان، ارتکاب بدین امر را در زمره ردایل اخلاقی بحساب می‌آورند؛ کاری که نباید از انسان فضیلت‌مند سر بزنند. نکته مهم در این میان این است که «اخلاق برتری» وجود ندارد و به بهانه نهادینه کردن برخی امور والا و پاسداشت برخی ارزشها در جامعه، نمی‌توان فتوا به روایی شکنجه کردن داد و بر این امر غیر عادلانه و ناروا صحنه نهاد. به کار بستن و مد نظر قرار دادن شهودهای اخلاقی عرفیِ موجه، مهمترین ملاک و محک برای انجام و یا ترک فعلی در مناسبات انسانی است. نباید مفتون برخی سخنان فریبا و دلربا شد؛ انسانهای پیرامونی و انضمامی، غایتِ قصوای سلوک اخلاقی اند و بس. به هیچ بهانه‌ای نباید این امر را نادیده انگاشت و به انجام اموری رضایت داد که متضمن افزایش درد و رنج شهروندان است و نقض کرامت انسانی ایشان.